

**العهد:** پایان ۶۹ سال دوری مراسم وداع با رهبر امت اسلامی (شهید سید علی خامنه‌ای) در کربلا و نجف با حضور میلیونی فرزندان عراق و علمای این کشور برگزار شد.

**الجزیره:** مشهد پس از تشییع عظیم در ایران و عراق، آماده خاکسپاری آیت الله خامنه‌ای می‌شود. پیکر آیت الله سید علی خامنه‌ای، رهبر ایران، پنجشنبه در شهر مشهد در شمال شرقی ایران به خاک سپرده خواهد شد و مراسم تشییع شش روزه که شامل تشییع پیکر در چندین زیارتگاه برجسته شیعه در ایران و عراق بود، به پایان می‌رسد.

**السومریه:** سومریه نیوز: بعد از عراق، مشهد برای تشییع و خاکسپاری آیت الله خامنه‌ای آماده می‌شود. رسانه‌های ایرانی اعلام کردند که شهر مشهد، پنجشنبه، برای تشییع و خاکسپاری آیت الله علی خامنه‌ای آماده می‌شود، پس از مراسم مشابهی که در تهران، قم و عراق برگزار شد.

**المیادین:** پیکر رهبر شهید، برای آماده شدن جهت تشییع تاریخی، وارد مشهد شد. شهر مشهد در حالی پذیرای پیکر رهبر شهید، سید علی خامنه‌ای، خواهد بود که در جوار حرم امام رضا (علیه السلام) به خاک سپرده می‌شود. این مراسم (که قرار بود صبح پنجشنبه برگزار شود) به دلیل وداع رسمی عراقی‌ها با حضور گسترده مردم به ساعات بعدازظهر موکول شد.

**المنار:** مشهد میزبان پیکر امام خامنه‌ای در پایان مراسم تشییع شش روزه خواهد بود. پیکر رهبر معظم جمهوری اسلامی، آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای، در پایان مراسم تشییع شش روزه در شهر مشهد در شمال شرقی ایران به خاک سپرده شد. این مراسم حضور بی سابقه مردم، حدود ۴۰ میلیون نفر تخمین زده می‌شود، که طی آن شهرهای ایران و عراق در مسیر تشییع امام شهید تا آرامگاه ابدی‌اش، وفاداری خود را به راه او ابراز کردند.

**عربی وإقلمی**

## مشهد تحتضن جثمان الإمام الخامنئی فی ختام مراسم تشییع استمرت 6 أيام



... سیدعباس موسوی

من نمی دانستم معنی هرگز را! تو چرا بازنگشتی دیگر؟!

... حسین نغلی

دنیال عدد و رقم در تشییع آقا نیاشید. دنیال این که سه ساعتی رسید و چه ساعتی برگشت. کجا چه اتفاقی افتاد. یک بار دیگر عزت شیعه در وداع با یک رهبر دینی-سیاسی بزرگ به رخ جهانیان کشیده شد. مراسم تشییع آقا خاری بود در چشم دشمنان، و تا سال‌های سال نقل مجالس و محافل مختلف خواهد بود.

... فاطمه کریمخان

جمعیت تشییع، آرایش (ترامپ) می‌داد، تلافی کرد.

... میلاد کوزری

سال‌ها در هیات‌ها شنیده بودم که «کریلایی بودن به کربلا رفتن نیست؛ به کربلایی شدن است»؛

... کبری اسووار

باید به ترامپ برسانیم طرفداران خامنه‌ای زیادند، خیلی زیاد؛ آنقدر زیاد که آن جمعی که بخاطر حملات امسروز آمریکا و لغو قطارها به مشهد نمی‌رسند، قطره‌ای دل جامانده‌ها می‌سوزد، اما یک جمعیت بی‌شمار اینگونه کم نمی‌شود. نه ما نه کم می‌شویم، نه می‌ترسیم؛ ایستاده‌ایم!

... محمد صرفی

فرعوزه زمانه که آمده بود ظرف ۳ روز کار ایران را تمام کند حالا نگران و هراسان از جان خودش است. پرچم‌های سرخ دریای تشییع کنندگان کار خود را کردند.

... محمد صرفی

فرعوزه زمانه که آمده بود ظرف ۳ روز کار ایران را تمام کند حالا نگران و هراسان از جان خودش است. پرچم‌های سرخ دریای تشییع کنندگان کار خود را کردند.

**یادداشت**

### سوگ ملی، ۴ ماه اشک و فریاد

**محمد سرایی**  
روزنامه نگار

ایران این روزها صحنه تجلی انده عظیم و خروش ملی است. شهادت رهبر انقلاب اسلامی، ملتی را در عزایی بی سابقه فرو برده که تنها نشانه غم و درد نیست؛ این سوگ دسته جمعی، نمایشی از اراده ملی برای ترمیم آسیب عمیق واردآمده بر پیکره جامعه است. بررسی تصاویر چهار ماه تجمعات خرابی و خرابی و تشییع به ما نشان می‌دهد آنچه امروز در خیابان‌های ایران می‌گذرد، یک نیک واکشن مقطعی، بلکه زنجیره‌ای یافته شده و پیوسته است که ماه‌هاست تداوم یافته و چهره جدیدی از اراده ملی را به نمایش می‌گذارد.

دشمنان در ابتدا تصور می‌کردند شهادت رهبر، عمود خیمه انقلاب را خواهد شکست اما محاسبات تغییر کرد. از همان سحرگاهی که شهادت رهبر اعلام شد، موجی از اندوه و خشم سراسر کشور را فرا گرفت. اما آنچه این جنایت را از بسیاری حوادث تلخ تاریخ ایران متمایز کرده، استمرار بی وقفه حضور مردم در صحنه است. در طول این چهار ماه، خیابان‌های تهران و صدها شهر دیگر، هر شب میزبان تجمعاتی بوده که در آن، جمعیت انبوهی از افشار مختلف جامعه گرد هم آمده‌اند.

این گردهمایی‌های شبانه، که گاه تا ساعات بامداد ادامه یافت، نه صرفاً سوگواری ساده، بلکه اعلام موضعی صریح و آشکار بوده است. در تمام این شب‌ها، یک فریاد مشترک از گلوهای هزاران نفر پیروز آمده: «انتقام خون رهبر شهید». این شعار که به تمام اصلی این تجمعات تبدیل شده، نشان می‌دهد که جامعه ایرانی، شهادت را نه پایان راه، بلکه آغازی برای فصل جدیدی از مبارزه می‌داند.

اوچ این حضور پرشور، در مراسم وداع با پیکر مطهر رهبر شهید در صحنای بزرگ تهران و سپس تشییع باشکوه در خیابان انقلاب رقم خورد. میلیون‌ها نفر که از سراسر کشور خود را به پایتخت رسانده بودند، با چشمانی اشک بار و مشت‌های گره کرده، شعارهای مشترکی را فریاد می‌زدند. در آن روزهای تاریخی، فضای صلی و مسیر خیابان انقلاب تا میدان آزادی، مملو از جمعیتی بود که نه تنها عزاداری می‌کردند، بلکه با صدای بلند، خواستار انتقام از عاملان و آمران بودند. پرچم‌های سرخ رنگ که بر فراز جمعیت به اهتزاز درآمده بود همگی گواه بر این حقیقت بود که این مراسم، تلفیقی از سوگ و خشم، از اشک و آتش، از وداع و وعده انتقام بوده است. مردم، با حضور حماسی خود، به دشمنان داخلی و خارجی پیام روشنی دادند که خون رهبرشان هدر نخواهد رفت و این جنایت، بی پاسخ نخواهد ماند.

میلیون‌ها ایرانی در مراسم تشییع و خاکسپاری در شهرهای مختلف، از تهران تا مشهد، حضور یافتند و صحنه‌هایی کم نظیر از همبستگی ملی را خلق کردند. این حضور گسترده، چیزی فراتر از وداع با یک رهبر بود؛ اقدامی جمعی برای ترمیم آسیب روحی و سیاسی ناشی از این ضایعه بزرگ محسوب می‌شود. مردم با این گردهمایی عظیم، پیام دادند که جامعه ایرانی با وجود انده، منسجم‌تر از همیشه در مسیر آرمان‌های انقلاب گام برمی‌دارد. اما نکته کلیدی این است که مطالبه انتقام، تنها واکنشی احساسی نیست، بلکه پاسخی راهبردی برای مقابله با بار سنگین شهادت رهبر و ترمیم خلأ ایجادشده در جامعه است. پیوند این سوگواری با مفاهیم عمیق مذهبی، به ویژه قیام کربلا، تلاشی برای تبدیل یک تراژدی ملی به سرمایه‌ای برای همبستگی و مقاومت است.

جامعه ایرانی در طول تاریخ خود نشان داده که به تناسب شدت هر حادثه، واکنشی متناسب از خود بروز می‌دهد. آنچه امروز در خیابان‌های ایران می‌گذرد، دقیقاً مصداق همین قاعده تاریخی است: ملتی که در سخت‌ترین لحظه، با تجمیع ظرفیت‌های عاطفی و نمادین خود، آن را به فرصتی برای بازسازی انسجام ملی تبدیل می‌سازد. این مکانیسم خودتنظیم‌گر، رمز دوام جوامع در مواجهه با مشکلات است. تجربه چهار ماهه اخیر، به روشنی نشان داده که جامعه ایرانی با وجود همه تفاوت‌ها و سلاخی گوناگون، در برابر تهدید وجودی، وحدت مثال‌زدنی از خود بروز می‌دهد.

## در ستایش هنر

**اسماء غفاری**  
روزنامه نگار

هنر در نگاه آیت الله شهید سید علی خامنه‌ای دایره وسیعی را دربر می‌گیرد. ایشان در دیدارهای متعدد با هنرمندان سخن می‌گفتند و آنها را در چگونگی بکارگیری موهبتی که خدا در وجود آنها قرار داده راهنمایی می‌کردند. آثار هنری را با دقت بررسی می‌کردند و پدیدآورنده اثر را تحسین کرده و با او به گفت و گو می‌نشستند. ایشان در یکی از سخنرانی‌های خود خطاب به هنرمندان فرموده بودند: کارهای هنری، شعر، مستند، فیلم، کتاب یا جلسات می‌تواند حامل پیام باشد؛ ما به این [نوع کارها]، به پیام شهدا احتیاج داریم. اینها بایستی منتقل بشود و انتقالش هم عمدتاً، به زبان هنر احتیاج



دارد. آقا بر وجه تمایز هنر اسلامی و غیر اسلامی تاکید داشتند و معتقد بودند آنچه این دو را از هم متفاوت میکند، روح هنر اسلامی است. چرا که هنر را به عنوان یک پدیده انسانی که از الهام‌های درونی و تراوش معنویت انسان نشأت می‌گیرد، میشناختند و معتقد بودند وقتی هنر از دل و باور ایمانی برخیزد هنر اسلامی پدیدار میشود. هنر از دل و باور ایمانی برخیزد هنر اسلامی پدیدار میشود. رهبر شهید، توجه ویژه‌ای به هنر و صنایع دستی مناطق مختلف ایران داشتند و اهتمام به آن را به مسئولین گوشزد می‌کردند و توصیه شان این بود که پیشکسوتان و اساتید این هنرها را که غالباً با زحمت فراوان همراه است با تشویق و قدردانی دلگرم کرده و موجب استمرار مسیرشان شوند. در عشق و درک ایشان از ژرفای هنر همین بس که یک شخصیت عالم مذهبی، درباره تابلوی نقاشی "عصر عاشورا" ی استاد فرشچیان فرمودند: من

**اینجا مشهد**





**اینجا مشهد خانه آخر، خانه ابدی؛ مراسم تمام شد و خدا حافظی‌ها انجام.** حالا رهبر شهید در کنار امام ایرانیان آرام می‌گیرد. اما بیرون از حرم، مردمان هنوز آرام نشده‌اند، آنها دنبال انتقام هستند. به دنبال خونخواهی. پرچم‌های سرخ که در خیابان‌های مشهد در مراسم آخرین تشییع دست مردم بودند شاهد این خونخواهی و این خواسته است به خصوص اینکه هنوز مراسم تمام نشده، عزیزان دیگری از وطن به دست دشمنان به شهادت رسیدند.

### آن سوی ویلچر، قامت مقاومت

در میان دریایی از سیاهی، پیرمردی بیرویلچر نشسته است. تنش خسته، اما نگاهش هنوز روشن. عصبانیتش کنش را آرمیده‌اند، گویی بی سلاح‌هایی اند که دیگر نیازی به آنها نیست، چرا که پایداری او دیگر بر دوش پاهایش نیست، بر دوش ایمانش است. گرداگردش، موجی از انسان‌ها در سوگ می‌خرامند؛ سیاهپوش، آرام، اما استوار. باد پرچم‌ها را می‌چنابد. پرچم ایران، سبز و سفید و سرخ، در دل جمعیت می‌رقصد، و در کنش نشان حزب‌الله، چون موری بر عهدی نانوشته. این پارچه‌ها فقط رنگ نیستند، روایت‌اند، حافظه‌اند، پیمانی‌اند که نسل به نسل تکرار می‌شود. پیرمرد، در دل این جمع، نه غریبه است و نه فراموش‌شده. او تصویری ست از تاریخی که هنوز نفس می‌کشد، از مقاومتی

که تن زنجور را هم به میدان می‌آورد. دستان کسی که ویلچر او را هدایت می‌کند، نمادی ست از پیوندی که میان نسل‌ها جاری‌ست جوانی که پیری را بر دوش می‌نهد، همان‌گونه که یک ملت، گذشته‌اش را فراموش نمی‌کند. سیاهی لباس‌ها، سوگ را فریاد می‌زند، اما در ژرفای آن، نوعی سرفرازی خفته است. سرفرازی کسانی که در عزای نیز می‌ایستند، در ضعف نیز راه می‌روند، و در سکوت نیز سخن می‌گویند. این تصویر، حماسه‌ای کوچک از یک روز عادی است. حماسه‌ای که در آن، ناتوانی جسم در برابر اراده‌ی بزرگ‌تر، رنگ می‌بازد. و چنین است که این عکس، بیش از یک لحظه، یک نماد می‌شود: نماد ملتی که در سوگ نیز شکوه دارد و در ضعف جسم، ستون‌های ایمانش را استوارتر می‌بندد.

